



فصل اول

## منشور مشارکت و همیاری؛

حکومت داری خوب در آینه دولت «تدبیر و توسعه»

دکتور فرامرز تمنا

(کاندیدای ریاست جمهوری سال ۱۳۹۸ افغانستان)

اسد ۱۳۹۸



---

ما دولتی کوچک، اما مقتدر می خواهیم؛ دولتی که خادم مردم باشد و کارگزاران آن حتی یک لحظه هم از تلاش برای توسعه کشور و ترسیم فردایی روشن برای فرزندان این سرزمین غافل نباشند.

دکتور فرامرز تمنا

---





## فهرست

۵	اشاره /.....
۸	حکومتداری مدیرانه و توسعه مردمسالارانه /.....
۹	۱. شکل نظام سیاسی /.....
۱۰	۲. روند توزیع صلاحیت ها /.....
۱۱	۲,۱) انتخابی شدن والی، شاروال، ولسوال /.....
۱۱	۲,۲) رقابتی شدن حداقل ده وزارت /.....
۱۲	۳. ظرفیت حکومت /.....
۱۴	پیش شرط های حکومتداری خوب /.....
۱۶	شاخص های حکومتداری «تدبیر و توسعه» /.....
۱۶	۱. حاکمیت قانون /.....
۱۷	۲. شفافیت /.....
۱۷	۳. مشارکت /.....
۱۸	۴. مسئولیت پذیری /.....
۱۸	۵. اجماع /.....
۱۸	۶. عدالت /.....
۱۹	۷. کارایی و موثریت /.....
۱۹	۷. کارآفرینی و خصوصی سازی /.....



## راهبردهای مهم در دولت تدبیر و توسعه

۱. سکتور انرژی آبی، زراعت و مالداري / ..... ۲۰
۲. سکتور صنعت و معدن / ..... ۲۰
۳. سکتور ترانسپورت، تجارت و راه سازی / ..... ۲۱
۴. سکتور صحت / ..... ۲۱
۵. سکتور تعليم و تربيه و تحصيلات عالی / ..... ۲۲
۶. سکتور بیمه / ..... ۲۳
۷. سکتور امنیت / ..... ۲۳
۸. سکتور اقتصادی / ..... ۲۴
۹. تأمین بودجه ملی / ..... ۲۵
۱۰. کمک های خارجی به افغانستان / ..... ۲۵
۱۱. نهادهای دولتی متکثر و موازی / ..... ۲۷
۱۲. شهر الکترونیک / ..... ۲۷
۱۳. برنامه ریزی شهری / ..... ۲۸
۱۴. انکشاف متوازن و پایدار شهری / ..... ۲۸
۱۵. انکشاف دهات / ..... ۲۸
۱۶. سروی سرزمینی افغانستان / ..... ۲۹

## پیوست ها

۱. طرح کوچک کردن حکومت افغانستان / ..... ۳۰
۲. خواسته های مردم از تیم تدبیر و توسعه / ..... ۳۶

## اشاره:

یکی از مهمترین و بزرگترین تفاوت‌های تیم «تدبیر و توسعه» با سایر تیم‌های انتخابات ریاست جمهوری افغانستان، دیدگاه این تیم به «دولت»، «قدرت»، «قومیت» و همچنین نگاه ویژه رهبری این تیم به نوع رابطه میان دولت و شهروندان و تلاش برای نهادینه‌سازی نسبت «خادم» و «مخدوم» میان آنها در افغانستان است. تیم تدبیر و توسعه علاوه بر تلاش برای دستیابی به جایگاه حکمروایی، در صدد معرفی و نهادینه‌سازی یک روایت بومی، جوان و مترقی از توسعه یافتگی در افغانستان است. روایتی که از دید ما دارای سه شاخص اصلی است: **شاخص اول**، قطع پیوند میان «قدرت» و «قومیت» است؛ یعنی غیر قومی کردن ساختار حکومتداری در افغانستان. ما به جای «قومیت»، «اصناف» را در ساختارسازیهای اجتماعی و سیاسی فعلی نهادینه خواهیم کرد؛ **شاخص دوم**، ایجاد یک دولت «توسعه محور» به جای دولتهای «امنیت محور» فعلی است، و **شاخص سوم**، ارائه یک الگوی بومی و افغانی از توسعه یافتگی برآمده از تلفیق میان دانش و اصول توسعه یافتگی، الگوهای موفق توسعه یافتگی در جهان، و سپس آمیزش آن با ارزشهای اسلامی، عنعنات پسندیده افغانستان، و نیازهای توسعه یافتگی کشور است. پیروزی تیم تدبیر و توسعه به معنای پیروزی این روایت جدید و جوان از حکمروایی در افغانستان است.

از آنجا که مشارکت شهروندان یکی از شاخصه‌های مهم یک نظام مردمسالار و کارآمد محسوب می‌شود، باور ما این است که باید تمامی مکانیزم‌های تسهیل‌کننده حضور و نقش مردم در قدرت و تصمیم‌گیری‌ها به صورت درست و واقعی، و نه صوری و تشریفاتی، توسط حکومت فراهم شود. از دید ما، «مردم» صاحبان اصلی این کشور و «مخدومان» آن هستند و دولت صرفاً نقش «خدمتگزار» به آنها را باید داشته باشد. متأسفانه جنگ‌های چهل ساله و در کنار آن حضور تعدادی از سیاستمداران ظالم، تشنه قدرت، ناآگاه از حکومتداری و گریزان از خدمت، دولت را به قول توماس هابز به یک «لیویاتان» عظیم الجثه تبدیل کرده است که همه امکانات و داشته‌های مردم را در راستای تقویت و فربهی خود می‌بلعد. لذا استراتژی مشخص ما در عرصه حکومتداری، بر موارد زیر متمرکز خواهد بود:



۱. سرگردانی ما در مدار توسعه یافتگی و حرکت‌های سلیقه‌یی و زیگزاگی ما در حکومتداری، نشان می‌دهد که ما نقشه راه برای آینده خود نداریم. در کشورهای توسعه یافته و یا در حال توسعه موفق جهان اگر از یک استاد، یک وزیر، یک وکیل، یک تاجر، یک کارگر و غیره مشاغل بپرسید کشور شما به کجا روان است، هر یک متناسب با شغل و فهم خود می‌داند چه پاسخی بگوید. این پاسخها همه در راستای دستیابی و انکشاف آن کشور و در کلیت امر، یکسان خواهد بود. چون در آن کشورها نقشه راه توسعه یافتگی آنها تدوین شده است و به زبانهای مختلف و ساده سازی شده، در اختیار عموم قرار گرفته است. اگر همین سؤال را در افغانستان از وزرا، وکلا، تجار، کسبه، و غیره مشاغل بپرسیم، حتی پاسخ دو وزیر هم یکسان نخواهد بود. لذا برای جهت‌دهی به تمامی نیروهای موجود در یک جامعه و سمت و سو دادن آنها به متس توسعه یافتگی افغانستان باید به زودترین فرصت سندی تحت عنوان «**دائرتین امنیت ملی افغانستان**» که چشم انداز بلند مدت افغانستان و کجایی آن در معادلات سیاسی، امنیتی، حقوقی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی، انسانی، محیطی، و ارتباطاتی را در سطح ملی و بین المللی، تبیین کند، تدوین شود. تمامی وزارتها و نهادهای افغانستان باید پالیسی‌های سکتوری خود را در زیر چتر این سند تدوین و به منصفه اجرا بگذارند.
۲. کوچک کردن «دولت» و بزرگ کردن نقش و جایگاه واقعی «مردم» در تصمیم‌گیریها؛ باور ما در این زمینه این است: «**ما ارگ را به خانه های مردم می بریم**»
۳. تأسیس یک **نظام سیاسی ریاستی «غیر متمرکز»**، جهت بازگرداندن دوباره قدرت به مالکان واقعی آن که مردم هستند؛ باور ما در این زمینه این است که: «**دیگر به هیچ صورت لازم نیست به کابل سرگردان شوید، ولایت شما صلاحیت اداری کابل را دارد.**»
۴. ایجاد ثبات در شیوه های مملکت داری، از طریق ایجاد یک «تروئیکا» یا «سه گانه» سیاسی تحت نام «**مجمع عالی حکومت داری متداوم**». این مجمع متشکل خواهد بود از: ۱. رئیس جمهور بر حال، ۲. رئیس جمهور قبلی، و ۳. رهبر بزرگترین حزب اپوزسیون که به صورت بالقوه می‌تواند رئیس جمهور آینده کشور باشد. در صورت نیاز می‌توان رئیس قوه مقننه فعلی، رئیس قوه مقننه قبلی، رئیس قوه قضاییه فعلی، رئیس قوه قضاییه قبلی، و شش نفر دیگر مشمول وزرای قبلی و فعلی امور خارجه، دفاع ملی، و امور داخله را به این مجمع افزود. این مجمع با حداقل ۱۳ عضو باید به تمامی تصمیم مهم مرتبط با مسایل کلان کشور در عرصه سیاست داخلی و خارجی، حل و فصل اختلافات و بن‌بستهای بین هر سه قوه، و موضوعاتی که ایجاب مصلحت اندیشی در سطح بسیار بالا را می‌کند، پردازد. در این

«مجمع» مورد بحث قرار خواهد گرفت و تصمیم لازم بر اساس اجماع و بر اساس منافع ملی کشور گرفته خواهد شد.

۵. نظام سیاسی همانند یک اندامواره یا سیستمی است که تمامی اجزای آن باید در ارتباط دایمی با هم باشند. عدم ارتباط بین اجزای یک سیستم، باعث ناکارآمدی و حتی مرگ سیستم می شود. نگاه جزیره‌یی به هر یک از اجزای سیستم مدیریتی یک کشور باعث دوری آن از سایر بخش‌ها شده و هر بخش از حکومت را به یک جزیره دور افتاده از سایر بخش‌ها مبدل می‌کند. لذا هدف ما ایجاد ارتباط ارگانیک میان تمام اجزای سیستم و «پایان دادن به حکومتداری جزیره‌یی» از طریق ایجاد ارتباط کاری مستمر میان تمامی نهادها است. به گونه‌ی مثال باید نهادهای تعلیمی و تحصیلی افغانستان با نیازهای حکومتداری کشور همخوان باشد. در حال حاضر تحصیلکردگان ما به دلیل اینکه بازار کار برای آنها در ساختارهای دولتی و خصوصی وجود ندارد، بیکارند. زیرا رشته‌های تحصیلی هیچ تناسبی با نیازهای حکومتداری از یک طرف و نیازهای توسعه‌ی کشور از جانب دیگر، ندارد. به عنوان مثال اگر قرار است در آینده‌ی نزدیک ما یک کشور اسلامی و دموکرات باشیم، نظام آموزشی ما باید در تربیت شهروندان مسلمان و دموکرات برنامه‌ریزی و کار نماید؛ اگر ما می‌خواهیم قطب تجارت و ترانزیت منطقه شویم، باید در این عرصه متخصصینی داشته باشیم؛ اگر قرار است اقتصاد کشور را بر درآمد ناشی از استخراج معادن دست‌ناخورده خود بنیان گذاریم، باید نظام آموزشی ما متخصصینی در بخش‌های مختلف مربوط به شناسایی، کشف، استخراج، مسایل حقوقی، بازاریابی، و غیره مسایل را تربیت کند. رشته‌های تحصیل، میزان پذیرش در کانکور، و تربیت تمامی نیروهای انسانی در افغانستان باید متناسب با نیازهای انکشافی کشور باشد.

۶. تأسیس یک «نظام ملی و پاسخگو» از طریق جذب استعدادهای بومی و ملی که فاقد تابعیت کشورهای دیگر باشند، به عنوان مدیران بخش‌های مختلف حکومت. تجربه هجده سال گذشته نشان داده است که اکثر افغانهای دوتابعیته که در مقام‌های عالی اجرایی قرار گرفته‌اند، به دلیل عدم ارتباط آینده فرزندان و خانواده آنها با آینده افغانستان، تعهد، دلسوزی، جدیت و صداقت لازم را به این سرزمین ندارند. لذا مسوولیت انکشاف و مدیریت افغانستان باید بر دوش آنانی گذاشته شود که آینده خود و فرزندان خود را در همین کشور تعریف کرده و این کشور را برای خود، فرزندان، و همه شهروندان افغانستان می‌سازند.



۷. در طول هجده سال گذشته صدها کنفرانس ملی و بین‌المللی، کوچک و بزرگ، و در زمینه‌های مختلف در مورد افغانستان گرفته شده است. نتایج عملی این کنفرانسها که بعضاً با هزینه‌های گزاف و از بیت‌المال افغانها پرداخت شده است، بر دسترخوان و سفره مردم چه بوده است؟ بسیار کم و یا هم هیچ. لذا برنامه دولت تدبیر و توسعه این است که باید به سمت کنفرانس زدایی (De-Conferencization) رفت و به جای هزینه برای برگزاری کنفرانسهای بیهوده، همان پول را برای بهبود زندگی مردم و حل مشکلات موجود مصرف کرد.

### حکومتداری مدبرانه و توسعه مردم‌سالارانه

اداره عامه عبارت از بخش عملیاتی حکومت است که از مجرای آن حکومت پالیسی‌های خویش را توزیع کرده و اهدافش را تحقق می‌بخشد. اداره عامه در تحقق اهداف حکومت نقش تعیین کننده دارد. در واقع موفقیت حکومت در موفقیت اداره عامه نهفته است. حکومت‌داری از منظر کیفی، مفهوم حقیقی حکومت بوده، ضمن اینکه متفاوت از واژه حکومت است. حکومت‌داری یک مفهوم کیفی بوده در حالی که حکومت می‌تواند یک پدیده کمی باشد. به این دلیل است که معمولاً تاکید می‌شود در یک کشور باید حکومت کمتر و حکومت‌داری بیشتر باشد. حکومت‌داری خوب یک اصطلاح عینی بوده و تاکید بر اداره موثر و کارا در داخل نظام مردم‌سالار دارد. این واژه زمانی مصداق عینی و واقعی پیدا می‌کند که ما یک اداره هدفمند و توسعه طلب که متعهد به ارتقاء سطح کیفی مردم باشد، داشته باشیم. این امر ارتباط می‌گیرد به این که اداره تا چه حد می‌تواند قدرت حکومت را «غیر متمرکز» ساخته تا به مسائل جامعه به نحو احسن رسیدگی کرده بتواند. امری که قاعدتاً با سپردن امور اداره عامه به اهلش میزان مشروعیت نظام را بالا برده و می‌تواند فاصله را بین مردم و حکومت کم ساخته و به حکومت استحکام بیشتر بدهد.

حکومت‌داری خوب زمانی محقق می‌شود که ما در داخل نظام، اداره مبتنی بر اصول که منافع عامه را تامین نماید، زندگی مرفه را به مردم هدیه داده و میزان مشارکت مردم را در امور عامه افزایش دهد، داشته باشیم. بانک جهانی در رهنمودش معیارهای آتی را برای یک حکومت‌داری خوب پیشنهاد می‌کند: "موجودیت آزادی، حسابدهی سیاسی، اطاعت از قانون، حسابدهی دیوانسالاری، موجودیت معلومات موثق به شکل شفاف، فعال و موثر بودن و همکاری و هماهنگی بین حکومت و جامعه."

از همین جا است که حکومت خوب در مقایسه با حکومت بد مفهوم پیدا می‌کند. کسانی اهمیت حکومت خوب را درک می‌کنند که حکومت‌داری بد را عملاً تجربه کرده باشند. این امر در افغانستان و همچنین در بسیاری از کشورها ثابت شده است که در نظام دموکراتیک، منافع عامه قربانی منافع خصوصی رهبران منتخب و نظام دیوان‌سالاری شده





است. سوء استفاده از قدرت، فریب و نیرنگ با مردم توسط رهبران حکومت و اتحادیه‌های شان، شکل سیستماتیک را در این کشورها به خود گرفته است. حکومت‌داری بد خصوصا در کشورهای در حال رشد به یک معضل جدی تبدیل شده است. ازین رو پدیده‌یی بنام حکومت‌داری خوب به عنوان علاج این معضل مورد توجه عام قرار گرفته است. افغانستان یکی از کشورهایی است که به شدت نیازمند است تا ادارهٔ امورش بر اساس شاخص‌ها و عناصر حکومت‌داری خوب انجام شود.

از منظر تیم **تدبیر و توسعه** حکومت‌داری خوب دارای چهار ستون اساسی است:

- انسان‌محوری (خدمت به مردم و شهروندان)،
- اخلاق‌محوری (امانت‌داری، صداقت و درستکاری)،
- مساوات و عدالت (برخورد همسان با تمام افراد و اقوام جامعه و شفقت به افراد مستضعف)، و
- موثریت و کارآمدی (عرضه خدمات موثر و به موقع بدون ضیاع وقت و امکانات).

بر این اساس حکومت‌داری خوب در افغانستان زمانی تحقق خواهد یافت که قدرت در امتداد مدیریت اقتصاد، و منابع کشور جهت تحقق «**توسعه پایدار**» استفاده شود. چیزی که در طول یکصد سال گذشته فاقد آن بوده ایم. بر مبنای این تجارب در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، این امر محقق گردید که حکومت‌داری خوب عبارت از پدیده‌ای است که حول محور آن «توسعه پایدار» و قوی در ابعاد مختلف می‌تواند شکل بگیرد و عامل مرکزی در ساختن پالیسی‌های موفق است.

تیم تدبیر و توسعه با توجه به خاستگاه معرفتی خود و همچنین با توجه به اهمیت و جایگاهی که علم برای باز کردن گره‌ها و مشکلات کشورداری دارد، از منظر **علمی** به حکومت‌داری خود نگاه می‌کند. از آنجا که از نظر علمی سه معیار عمده در حکومت‌داری خوب مشخص گردیده است، دیدگاه تیم تدبیر و توسعه در عرصهٔ حکومت‌داری، سه موضوع اساسی زیر را در بر می‌گیرد:

### ۱. شکل نظام سیاسی

بحث روی نظام سیاسی و شکل آن از مهمترین مباحث سیاسی در افغانستان بوده و هست. در صد سال گذشته هر رژیمی با وعدهٔ تغییر شکل نظام قبلی روی کار آمده، و با آنکه شکل جدیدی از نظام سیاسی را بوجود آورده است، اما مشکلات مردم همچنان که پیش از نظام جدید بود، حل نشده باقی ماند. از نظر تیم **تدبیر و توسعه**، در وضعیتی که کشور با مشکلات عدیدهٔ اقتصادی، امنیتی، اجتماعی، فرهنگی، بیکاری، مهاجرت، بی‌عدالتی، شکافهای هویتی و غیره دست و پنجه نرم می‌کند، پرداختن به شکل نظام سیاسی، مثل

این است که برای درمان درد سرطان یک شخص، بگوییم که باید کورتی خود را تغییر دهد و رنگ دیگری بپوشد.

اگرچه ما در نظر داریم که شکل نظام های سیاسی (دیکتاتوری یا دموکراتیک، ریاستی یا پارلمانی، متمرکز یا فدرال، و ترکیبی) هر کدام در ایجاد و تقویت حکومت داری خوب نقش عمده ای را ایفا می کنند. از سوی دیگر کیفیت و کاربرد هر کدام از این نظام ها رابطه مستقیم به زمینه های پذیرش این نظام ها دارند؛ زمینه های اقتصادی، اجتماعی، فکری و فرهنگی و غیره می توانند نقش تعیین کننده ای در میزان موثریت و کاربرد این نظام ها داشته باشند. امروز نظر عده ای از دانشمندان بر این است تا برای عملکرد بهتر هر کدام از این نظام های سیاسی باید به متغیرهایی مانند زمینه های اجتماعی، فکری، فرهنگی، اقتصادی و غیره توجه نمود، چون هر کدام از این متغیرها می توانند مبنی باشند بر این نظام ها. اگر متغیرها (زمینه ها) با هر یک از این نظام ها قابلیت انطباق را نداشته باشند، این نظام ها نمیتوانند در عملکرد شان بازدهی مثبت داشته باشند. بناء لازم است تا برای ایجاد حکومت داری خوب خصوصا در افغانستان به عنوان یک کشور در حال انکشاف، نوعیت نظام ها متناسب و منطبق با واقعیت های عینی (متغیرهای اجتماعی و غیره) در نظر گرفته شود. یکی از عوامل مهم عدم وجود حکومت داری خوب در افغانستان، عبارت از نبود نظام های سیاسی که قابلیت انطباق با شرایط عینی جامعه را داشته باشد، است. لذا با توجه به جامعه متکثر و چند قومی افغانستان، وضعیت اقلیمی، تکثر فرهنگی، فقر، و بی سواد، و سایر ویژگیهای اقتصادی، جامعه شناختی، روان شناختی، و معیشتی کشور، تیم تدبیر و توسعه بهترین مدل حکومت در افغانستان را **نظام ریاستی غیر متمرکز (مبتنی بر عدالت و شایسته سالاری)** می داند. این نظام غیر متمرکز که زمینه مشارکت همه شهروندان در تصمیم گیری را مساعد می سازد، می تواند نظام سیاسی کارآمدی برای زیست سیاسی جمعی در افغانستان باشد. دیده می شود که در تاریخ افغانستان شکل و ساختار نظام سیاسی به طور مکرر و فراوان تغییر کرده است بدون آن که تغییر اساسی و بنیادی در شرایط کشور رونما کند. در واقع می توان گفت مشکلات و نیازمندی های مهم تری نسبت به تغییر نوع و شکل نظام وجود دارد که حکومت افغانستان باید نخست به اصلاح و ایجاد آنها پردازد.

## ۲. روند توزیع صلاحیت ها

یکی دیگر از عوامل ایجاد حکومت داری خوب و کوچک کردن دولت، عبارت از توزیع درست و عادلانه قدرت و صلاحیت هاست. اگر صلاحیت ها به شکل درست توزیع نگردد، مدیریت قدرت، منابع انسانی و منابع طبیعی به شکل درست صورت نخواهد گرفت. برای توزیع بهتر صلاحیت ها اولاً باید صلاحیت ها



متمرکز نبوده و به شکل درست توزیع گردد. ثانياً صلاحیت ها باید متناسب به ظرفیت افراد تفویض گردد، چون اگر در توزیع صلاحیت ها، ظرفیت ها به شکل درست در نظر گرفته نشود، مدیریت قدرت به شکل درست انجام نیافته و منابع به هدر خواهند رفت. تیم تدبیر و توسعه تدابیر زیر را برای بازگرداندن صلاحیت ها به مردم در دست دارد:

## ۲،۱) انتخابی شدن والی، شاروال، ولسوال

راهکار و تدبیری که تیم **تدبیر و توسعه** در قسمت توزیع عادلانه صلاحیت ها از یک سو و توزیع صلاحیت ها مبتنی بر اصل شایسته سالاری در نظر گرفته است و آن را برای افغانستان و شرایط موجودش مناسب و مفید می داند، **رقابتی شدن** و نیز **انتخابی شدن** بسیاری از مناصبی است که فعلاً به گونه انتصابی و انحصاری توسط رئیس جمهور صورت می گیرد. از همین رو برای **غیر متمرکز ساختن قدرت**، حضور در پست های زیر، که از سایر بست ها مهم تر است، از طریق رقابت آزاد و با انتخاب مردم محل صورت خواهد گرفت:

- **والیان؛**
- **شاروال ها؛**
- **ولسوال ها.**

این پستها در حکومتداری «**تدبیر و توسعه**» بر اساس یکی از دو راهکار رقابتی یا انتخابی واگذار خواهد شد و افراد شایسته و تخصصی و مسلکی می توانند با رأی مردم ساکن در آن ولایت/ولسوالی انتخاب شده و بر منصب آن قرار بگیرند.

## ۲،۲) رقابتی شدن حداقل ده وزارت

برخی وزارت ها و ادارات مهمی در چوکات حکومت افغانستان هستند که کارکردها و نتایج ارتباط گسترده و مستقیمی با مردم و سرنوشت حال و آینده شان دارد. با این وزارت ها نباید به گونه سیاسی برخورد شود. این وزارتها تأثیر پایداری بر روندهای توسعه یی و انکشافی کشور داشته و نه متعلق به سیاسیون، بلکه متعلق به مردم است و بازدهی آنها نیز مستقیماً بر مردم تأثیر می گذارد. مثلاً وزارت معارف نسل های آینده را تربیت می کند و اگر وزیر معارف کار خود را غلط انجام دهد، مردم یک کشور تا دهه ها باید تاوان کم کاری آن وزیر و نگاه سیاسی که در پس انتصاب او توسط حکومت وقت وجود داشته است را بپردازند. لذا به هیچ صورت نباید به این گونه وزارت ها نگاه سیاسی وارد شود.



در رویکرد حکومتمداری تیم تدبیر و توسعه، وزارت‌های چون ۱. وزارت معارف، ۲. وزارت تحصیلات عالی، ۳. وزارت مسکن و شهرسازی، ۴. وزارت زراعت، ۵. وزارت خانواده و جوانان (وزارت جدید به جای وزارت زنان)، ۶. وزارت کار و امور اجتماعی، ۷. وزارت صحت عامه، ۸. وزارت فواید عامه/ترانسپورت، ۹. وزارت اطلاعات و فرهنگ، و ۱۰. وزارت انرژی و آب، و چند وزارت دیگر به رقابت همگانی در سراسر کشور گذاشته خواهد شد. بهترین، نخبه‌ترین و باسوادترین فرد، از هر قوم، زبان و سمتی که باشد، می‌تواند طرح خود را برای پیشبرد امور آن وزارت به حکومت ارایه کند. از میان این گروه، متخصص‌ترین و متعهدترین شخص به افغانستان و انکشاف آن توسط بورد بی طرف و در حضور رسانه‌ها به عنوان وزیر انتخاب خواهد شد.

### ۳. ظرفیت حکومت

حکومت باید ظرفیت پالیسی‌سازی و عملی ساختن آن را داشته باشد. روند پالیسی‌سازی یکی از مهم‌ترین وظایف حکومت به شمار می‌رود. حکومت باید در عملی ساختن برنامه‌هایش جدی باشد. اگر حکومت در عملی ساختن برنامه‌هایش از خود جدیت نشان ندهد مطمئناً بهترین قوانین و پالیسی‌ها هم نمی‌توانند برای ایجاد حکومت‌داری خوب موثر واقع شوند.

بعضی از شاخص‌های مورد نظر برای ظرفیت‌سازی در حکومت آینده افغانستان از دید تیم تدبیر و توسعه عبارتند از:

۱. حسابدهی سیاسی، مقبولیت سیستم سیاسی توسط مردم و انتخابات منظم برای مشروعیت بخشیدن به تعمیم قدرت سیاسی؛

۲. آزادی ایجاد تشکلات و مشارکت گروه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فکری و فرهنگی، اقتصادی و غیره در روند حکومت‌داری؛

۳. ایجاد چهارچوب قضایی که بر مبنای حکومت قانون و استقلالیت قوه قضاییه برای حفاظت از حقوق شهروندی، عدالت اجتماعی و حفاظت شهروندان از استعمار و سوء استفاده قدرت، شکل گرفته باشد؛

۴. حسابدهی دیوان سالاری برای تأمین یک سیستم کنترل‌کننده و ناظر بر عملکرد ادارات حکومتی و مامورین در ارتباط به کیفیت خدمات، سوء استفاده و عدم استفاده موثر از قدرت.

۵. آزادی معلومات مورد نیاز برای ساختن پالیسی عامه، اتخاذ تصمیم، نظارت و ارزیابی عملکرد حکومت؛

۶. سیستم اداری سالم که امور اداره را به سمت کارایی و موثریت رهبری کند. این امر به نوبه خود به معنی موثریت پول و هزینه ها نیز است؛
۷. همکاری بین حکومت و نهاد های جامعه مدنی.

گذشته از موارد و مباحث فوق، یکی از مهم ترین ایده ها و تدبیرهای تیم تدبیر و توسعه در قسمت ایجاد و ارتقاء ظرفیت حکومت داری، چنانچه قبلاً هم گفته شد، ایجاد مجمعی است که می توان نام آن را «مجمع عالی حکومت داری متداوم» دانست. این مجمع چنانچه پیشتر نیز گفته شد متشکل خواهد بود از: رئیس جمهور بر حال، رئیس جمهور قبلی، و همچنین رهبر بزرگترین حزب اپوزوسیون که به صورت بالقوه می تواند رئیس جمهور آینده کشور باشد. در صورت نیاز می توان رئیس قوه مقننه فعلی، رئیس قوه مقننه قبلی، رئیس قوه قضاییه فعلی، رئیس قوه قضاییه قبلی، و شش نفر دیگر مشمول وزرای قبلی و فعلی امور خارجه، دفاع ملی، و امور داخله را به این مجمع افزود. این مجمع با حداقل ۱۳ عضو باید به تمامی تصمیم مهم مرتبط با مسایل کلان کشور در عرصه سیاست داخلی و خارجی، حل و فصل اختلافات و بن بستهای بین هر سه قوه، و موضوعاتی که ایجاب مصلحت اندیشی در سطح بسیار بالا را می کند، پردازد. در این «مجمع» مورد بحث قرار خواهد گرفت و تصمیم لازم بر اساس اجماع و بر اساس منافع علیای ملی کشور گرفته خواهد شد. بیرون از این مجمع نیز راهکاری سنجیده می شود که هر یک از وزرای بر حال و همچنین رؤسای نهادهای مختلف کشور نیز بتوانند از تجربیات و مشوره های وزرا و رؤسای قبلی آن اداره بهره مند شوند. یکی از مشکلات جدی افغانستان فقدان حکومت داری خطی و وجود حکومت داری متقاطع، سلیقه یی، و روزمره بوده است. لذا ایجاد «ثبات در شیوه های حکومت داری» برای تیم ما بسیار مهم است. چون ما همیشه با تغییر هر حکومتی از صفر آغاز کرده ایم و این یکی از مهمترین دلایل ضایع شدن ظرفیتهای ملی، بی ثباتی و عقب ماندگی ما بوده است.

در واقع هر رئیس جمهور و هر وزیر و رئیس که تصدی یک اداره را بر عهده گرفته است، از نو تغییرات اساسی ایجاد کرده و این مسأله باعث این شده که روند خطی حکومت داری که بر اساس آن برنامه های بلندمدت، اساسی و زیربنایی روی دست گرفته می شود، از بین برود. راهکار و ایده دیگر تیم **تدبیر و توسعه** برای ارتقاء ظرفیت حکومت، چابک سازی و کوچک سازی حجم دولت است که یکی از پی آمدهای مثبت آن می تواند کاهش روند بوروکراسی هزینه بر و وقت گیر باشد. ضمن این که در بودجه دولت به میزان بسیار زیادی صرفه جویی ایجاد خواهد کرد. حکومت با حمایت های مالی و قانونی و ایجاد تسهیلات مناسب برای سکتور خصوصی در هر دو بخش خدمات و تولید مانع ایجاد و گسترش مشکل بیکاری نیز خواهد شد.



تقویت حکومت‌داری محلی و تفویض گسترده اختیارات از مرکز به اداره محلی که می‌توان «تمرکززدای از کابل» نامید، یکی از راهکارهای مهم دیگر تیم تدبیر و توسعه است. تقرر کارمندان بست رتبه دوم و پایین تر از دوم، مربوط به ادارات یک محل و ولایت و نیز سایر مسائل اداری مربوط به یک ولایت باید در همان محل و توسط رئیس مربوطه و والی انجام شود. همچنین تمامی امور اداری از صدور پاسپورت گرفته تا مدارک تحصیلی، اسناد وثیقه و مالکیت، و غیره اسناد همه و همه در همان ولایت، و در صورت ناامنی در آن ولایت، در مرکز زون مربوطه انجام خواهد شد. یعنی هیچ شهروند افغانستان مجبور نیست برای انجام امور اداری خود به کابل مراجعه کند. این کار باعث خواهد شد تا هم از گسترش بیشتر مشکلات در کابل جلوگیری شود، هم به توسعه پایدار و متوازن در سطح کل مناطق کشور دست بیابیم، هم سرعت عمل کارها و در نتیجه کیفیت عملکرد ادارات افزایش یابد.

یکی دیگر از راهکارهای تیم تدبیر و توسعه تغییر موقعیت و نقش شوراهای ولایتی و ولسوالی از حالت مشورتی به موقعیت **تصمیم‌گیری** است تا مردم خود را در امور حوزه اجتماعی که زندگی می‌کنند، شریک، قیم و تأثیرگذار ببینند.

## پیش شرط‌های حکومت‌داری خوب

به باور ما برای ایجاد حکومت‌داری خوب که فعالیت هایش بر مبنای محوریت مردم شکل می‌گردد، طبیعتاً به پیش شرط‌های نیاز دارد که مهم‌ترین این پیش شرط‌ها عبارت‌اند از:

- چهار چوب قانونی سالم که حقوق و مکلفیت‌های شهروندان در آن به شکل درست تعیین شده باشد. سیستم قضایی باید مستقل باشد تا به شکل درست بتواند از تطبیق قانون در کشور نظارت کند. اگر سیستم قضایی سالم و کارا در یک کشور وجود نداشته باشد، نمی‌تواند حکومت‌داری خوب به شکل درست در داخل کشور ایجاد گردد.
- ایجاد میکانیزم اداری قوی برای تعمیم درست قانون و عملکرد موثر. هرچند ممکن در پرنسیب (بعد قانونی) کدام مشکل در سیستم وجود نداشته باشد، اما اگر یک میکانیزم درست که در امتداد آن قوانین به شکل درست تعمیم گردد وجود نداشته باشد، در آن صورت هم ایجاد حکومت‌داری خوب محقق نخواهد شد.



- مدیریت درست منابع بشری در اداره و مدیریت های درست پالیسی کارمندان در اداره. اگر در بخش منابع بشری ادارات و حکومت افراد بر مبنای ظرفیت شان استخدام نشده و متناسب با مهارت و قابلیت ها در موقف های کاری قرار نگیرند، حکومت داری خوب در این صورت چیزی جز یک توقع بیجا نخواهد بود. چه زمانی که اوامر به اهلش سپرده نمی شود، در آن صورت عدالت تأمین نخواهد شد و حکومت داری خوب بدون عدالت تحقق نخواهد یافت.

- پالیسی های درست برای ایجاد (اداره) غیر متمرکز، تفویض صلاحیت و حسابدهی. عدم تمرکز صلاحیت باعث رشد استعداد ها در داخل اداره می شود. چون با توزیع منطقی صلاحیت ها می توان افراد را در داخل اداره مسئول و جوابگوی بار آورد. ضمن این که تمرکز صلاحیت ها در دست یک فرد و یا گروهی از افراد باعث فساد خواهد شد. پدیده ای که مظاهر عینی آن در بسا از کشور های در حال رشد مشهود است.

برای این که اداره را غیر متمرکز و مردم محور ساخت، تیم تدبیر و توسعه موارد ذیل را مد نظر دارد:

- مهندسی مجدد روند و پروسیجرهای اداری تا این که یک اداره مردم محور داشته باشیم. بعضی از پروسیجرهای اداری در افغانستان مغلق و پیچیده بوده و منجر به کاغذ پرانی شده و مردم را از روند امور اداره به حاشیه می کشاند.

- معلومات به شکل موثق و در زمان مناسب باید برای مردم ارایه گردد. در حکومتداری تدبیر و توسعه، کسب اطلاعات و معلومات از جمله حقوق شهروندی مردم محسوب می شود، چون بر مبنای این اطلاعات و معلومات است که مردم را از روندهای اداره آگاه ساخته و ارتباط را بین مردم و حکومت مستحکم تر می سازد.

- در حکومت داری مورد نظر تیم تدبیر و توسعه کوشش می شود تا به شهروندان امتیاز داده شود. این شهروندان اند که در حکومت داری خوب ممتاز تر از هر کسی اند. زمانی که امتیازات بین شهروندان به شکل عادلانه توزیع گردد و در آن تبعیض وجود نداشته باشد، در آن صورت حکومت داری خوب مصداق واقعی پیدا می کند.

- خدمات باید به شکل مستقل ارزیابی گردیده تا از یک جانب بعد کیفی آن بالا رفته و از جانب دیگر خدمات با سرعت و به دور از میکانیزم های دست و پا گیر برای عام مردم عرضه گردد.

- ایجاد میکانیزم مشخص برای رسیدگی به شکایات مردم.



▪ مشارکت فعال شهروندان در امور عامه یکی دیگر از ملزومات حکومت‌داری خوب مورد نظر تیم تدبیر و توسعه است. مشارکت شهروندان در امور عامه می‌تواند تضمین خوبی برای تحقق پالیسی‌های حکومت باشد. این امر زمانی تحقق پیدا می‌کند که حکومت پالیسی‌های خویش را در امتداد تامین منافع شهروندان تعریف نماید.

▪ در افغانستان باید بخش عامه و بخش خصوصی در عرضه خدمات عام با هم تشریک مساعی نمایند. امروز از یک جانب حوزه خدمات گسترش یافته و از جانب دیگر سطح توقع مردم نیز بالا رفته است. خصوصاً در افغانستان بعید به نظر می‌رسد که اداره عامه به تنهایی بتواند به تقاضاهای مردم جواب مثبت بدهد. بنابراین برای عرضه خدمات بهتر مشارکت هر دو بخش در امر عرضه خدمات مقتضی به نظر می‌رسد.

باید توجه داشت که اداره عامه مسئول اصلی عرضه خدمات به شهروندان است و نباید از این وظیفه طفره برود. ضمن این که اداره عامه در عرضه خدمات بخش خصوصی باید نظارت داشته باشد.

### شاخص‌های حکومت‌داری «تدبیر و توسعه»

حکومت‌داری خوب مورد نظر «تیم تدبیر و توسعه» بر اساس شاخص‌هایی قابل سنجش است که توسط نهادهای معتبر بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد و بانک جهانی نیز ارائه شده‌اند. این شاخصها عبارتند از:

۱. **حاکمیت قانون:** در یک نظام زمانی حکومت‌داری خوب تامین شده می‌تواند که چهار چوب قانونی آن به شکل درست و بدون کدام گرایش و یا تبعیض تنظیم گردیده باشد. ازجانب دیگر تطبیق قانون نیز باید قاطعانه بوده و هیچ نوع تبعیض در اجرای قانون نباید وجود داشته باشد. زمانی حکومت قانون در یک جامعه مصداق واقعی پیدا می‌کند که تمام شهروندان در مقابل قانون برابر بوده و قانون برای همه به شکل یکسان تطبیق شود.

یکی از مشکلات جدی موجود در افغانستان نقض گسترده، صریح و علنی قانون اساسی توسط رهبری حکومت بوده است. برای حل این مشکل راهکارهای مورد نظر تیم تدبیر و توسعه این است که باید صلاحیت‌های قضایی رئیس‌جمهور کاهش یابد. کمیسیون قانون اساسی که فعلاً وجود دارد لغو شده و به



جای آن «**کمیسیون عالی حراست از قانون اساسی**» تشکیل شود که نه به عنوان یک نهاد تحت نظر ریاست جمهوری (مانند کمیسیون قانون اساسی فعلی) بلکه به عنوان یک نهاد قوی تحت نظر مشترک «**مجمع عالی حکومتداری متداوم**» و «**ستره محکمه افغانستان**» به صیانت و پاسداری از قانون اساسی پردازد.

۲. **شفافیت:** در نظام های مردم محور، مردم در روند تصمیم گیری نقش تعیین کننده ای دارند. برای این که مردم در روند تصمیم گیری نقش فعال داشته باشند، باید معلومات مربوط به امور عامه از طرق مختلف خصوصاً رسانه ها به طور شفاف در اختیار شان قرار داده شود. ارایه معلومات شفاف و موثق سطح آگاهی مردم را بالا برده، افکار عامه را بسیج می سازد و می تواند بر عملکرد حکومت ناظر بوده و حکومت را نسبت به تامین منافع عامه متعهد بسازد. چون در چنین شرایطی در واقع هر کارمند بخش خدمات ملکی و یا رجال سیاسی زیر نظر مردم اجرای وظیفه می کند، و به این وسیله میزان تخطی در داخل حکومت را تا حد بسیار زیادی کاهش می دهد، چرا که هیچ فرد عاقلی نمی خواهد تا در مقابل افکار عامه متهم به فساد و یا تخطی از قانون باشد.

شفافیت در عملکرد حکومت و نهادها و ادارات مختلف آن یکی از مسائل بسیار حادّ و جدی موجود در افغانستان است و مشخص نیست روند توزیع پروژه ها چگونه انجام می یابد. استخدام ها و تفرری ها چگونه سامان می یابند و ...، در حالی که اعتماد یک جامعه به حکومت از طریق حاکمیت اصل شفافیت بر عملکرد حکومت، ایجاد یا سلب می شود. راهکارهای تیم تدبیر و توسعه برای این مسأله عبارت اند از تدوین و اصلاح قوانین مربوطه، نظارت دقیق بر اجراء و تطبیق قوانین مربوطه، و از همه مهم تر ایجاد سیستم مجازات و مکافات که بتواند عامل بازدارنده قدرتمندی در مقابل هر گونه فساد باشد.

۳. **مشارکت:** مشارکت مردم در امر تعمیل و تطبیق پالیسی های حکومت نقش بارز و تعیین کننده دارد. تجارب نشان می دهد که بدون مشارکت مردم در امور عامه، نمی توان توقع داشت که پالیسی های عامه به شکل درست آن تطبیق گردد. بنابراین حکومت برای تطبیق پالیسی و عرضه بهتر خدمات لازم است تا زمینه مشارکت مردم را در تمام عرصه های حکومتداری مساعد نماید.

پیشنهاد مشخص تیم تدبیر و توسعه برای ایجاد و گسترش مشارکت حداکثری مردم و جامعه افغانستان در روندهای عمومی کشور و جامعه و سهم شدن آن ها در سرنوشت خویش، تغییر نوع و قالب مشارکت از **مشارکت قوم محورانه به مشارکت صنفی** است. در شرایط کنونی افراد بر اساس هویت قومی یا مذهبی خویش در روندها و مسائل عمومی کشور شرکت می کنند که مهم ترین پیامد منفی آن تعمیق شکاف




اجتماعی موجود در کشور است که مردم افغانستان را به صورت جزیره‌های قومی پراکنده در آورده است. در مقابل مشارکت صنفی به این معنا است که صنف نانوایان، صنف معلمان، صنف دکان‌داران و ... وارد کنش اجتماعی می‌شوند و مبتنی بر تخصص خویش و مبتنی بر مسائل عملی جامعه اقدام به فعالیت سازنده خواهند کرد.

۴. **مسئولیت پذیری:** برای ایجاد حکومت‌داری خوب لازم است تا حس مسئولیت‌پذیری در بین تمام شهروندان خصوصاً کارمندان بخش خدمات عامه زنده و تقویت گردد. کارمندان بخش خدمات عامه باید بدانند که آنها در مقابل مردم مسئول اند. حس مسئولیت‌پذیری باعث می‌شود تا این حس مشترک در بین تمام شهروندان ایجاد گردد که همه نسبت به هم سرنوشت مشترک داشته و هر نوع تخطی از امور عامه نهایتاً گریبان تمام افراد جامعه را می‌گیرد.

در قسمت شاخص مسئولیت‌پذیری می‌توان راهکار تطبیق جدی قوانین را به عنوان یک مکانیسم سخت به کار برد و در کنار آن از ایجاد روحیه و مرام مسئولیت‌پذیری میان شهروندان جامعه از طریق گنجاندن آن در کتاب‌های درسی معارف و دانشگاه‌ها یاد کرد. در قسمت راهکارهای سخت می‌توان اقدام به تأسیس محاکم ویژه‌ای چون محکمه ویژه صاحب‌منصبان نظامی، محکمه ویژه اساتید پوهنتون، محکمه ویژه کارمندان حکومت و ... یاد کرد.

۵. **اجماع:** بدیهی است که حکومت خوب دارای اصول، قواعد و ارزش‌های مختص به خود است که با تطبیق آن می‌توان حکومت‌داری خوب را مصداق عینی و واقعی بخشید. این اصول و ارزش‌ها باید به نحوی باشد که برای تمام شهروندان قابل قبول باشد. برای ایجاد حکومت‌داری خوب باید سر این اصول که در آن منافع عامه نهفته است اجماع وجود داشته باشد. برای اجماع لازم است تا رسانه‌ها با ارایه معلومات، سطح آگاهی شهروندان نسبت به اصول و ارزش‌های که متضمن حکومت‌داری خوب است را ارتقاء بخشند. ایجاد اجماع و هم‌گرایی میان مردم و گروه‌های مختلف جامعه از طریق تغییر شیوه‌ها و رویه‌های مشارکت آن‌ها در رویه‌های عمومی قابل انجام است که راهکار مشخص تیم‌تدبیر و توسعه در قسمت مربوطه ارائه شده است.

۶. **عدالت:** تامین عدالت یکی از مهم‌ترین ملزومات یک نظام سالم است. زمانیکه تمام حقوق شهروندان تامین شد و مردم خود را بخشی از نظام فکر کردند در آنصورت حکومت‌داری خوب تامین میشود. عدالت و حکومت‌داری خوب بدون تامین حقوق شهروندان متصور نیست. مهم‌ترین حقوقی که مردم باید به آن دست پیدا کنند عبارت از حقوق اقتصادی و اجتماعی شهروندان است.



راهکارها و پیشنهادهای مشخص تیم تدبیر و توسعه در قسمت تأمین عدالت مبتنی بر راهکارها و پیشنهادهایی است که در قسمت‌های حاکمیت قانون و مشارکت ارائه شده است.

۷. **کارایی و موثریت:** زمانی که کارایی و موثریت در یک نظام جا افتاد این امر می‌تواند منجر به حکومت‌داری خوب شود. موثریت و کارایی در بطن یک سیستم مدیریتی خوب ایجاد و رشد می‌کند؛ سیستم مدیریتی که از منابع استفاده بهینه صورت می‌گیرد.

کارایی و موثریت که یکی از مهم‌ترین خصلت‌های هر نهاد و اداره‌ای باشد، به شدت مورد توجه تیم تدبیر و توسعه است و پیشنهادات روشن، مشخص و کاربردی خود را در این قسمت دارد. یکی از مهم‌ترین تدابیر تیم تدبیر و توسعه در قسمت ایجاد و افزایش کارایی و موثریت در حکومت و نهادهای آن ایجاد «**حکومت‌داری الکترونیک**» است که از این طریق کارآفرینی ایجاد می‌شود، شفافیت افزایش می‌یابد، هزینه‌ها به شدت کاهش می‌یابد، سرعت عمل افزایش پیدا می‌کند و در نهایت شاهد افزایش کارآمدی حکومت خواهیم بود. حکومت‌داری الکترونیک یکی از مهم‌ترین مسائل مورد توجه تیم تدبیر و توسعه در قسمت ایجاد اصلاحات و تغییرات مثبت در کشور خواهد بود.

۸. **کار آفرینی و خصوصی سازی:** در طی هفده سال گذشته خصوصی سازی کاذب صورت گرفته و شرکت‌هایی بنام شرکت‌های خصوصی بوجود آمده‌اند که در واقع سرمایه آنها از بودجه چند وزارت محدود تامین شده؛ مانند شرکت برق و یا بانک ملی افغان و غیره. با درک این موضوع تیم انتخاباتی تدبیر و توسعه امنیت واقعی برای سرمایه‌گذاری خصوصی را تأمین نموده و آن‌ها را قویا حمایت خواهد نمود تا دیگر نیاز به حضورشان در نهاد‌های دولتی نبوده، بلکه تمام توجه‌شان به توسعه و کار آفرینی تصدی اقتصادی و صنعتی مربوط‌شان خواهد بود. در نتیجه سطح مولدیت و کار آفرینی بالا رفته و کشور بسوی رهایی از ناامنی و خودکفایی ملی گام بر خواهد داشت. این سبب می‌شود تا سرمایه‌گذاری بین‌المللی نیز علاقمند به سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف در افغانستان گردد.

گذشته از موارد فوق که مبتنی بر شاخص‌های حکومت‌داری خوب مورد بحث و ارایه راهکار و پیشنهاد قرار گرفتند، سایر مسائل مهم افغانستان در موارد ذیل مورد بررسی و ارایه پیشنهاد و راهکار قرار می‌گیرند:

## ۱. سکتور انرژی آبی، زراعت و مال داری

افغانستان فعلا یک کشور زراعتی است و طوری که دیده می‌شود تولیدات زراعتی بدون کود حیوانی امکان ندارد. متأسفانه برعلاوه این که در ارتباط به زراعت و مالداری هیچ کاری صورت نگرفته، بلکه زمین های زراعتی خوب ما زیر کشت مواد مخدر می‌باشد و یا در آن شهرک ها بنا یافته و به مناطق مسکونی تبدیل گردیده و دلیل آن این است که عایدات دهاقین در برابر مصارف روزمره خانواده های امروزی خیلی ناچیز و در حد صفر است.

تیم «تدبیر و توسعه» دلیل اساسی کمبود تولیدات زراعتی را نبود زیر ساخت های زراعتی و دامی کشور دانسته و این را وظیفه خود می‌داند که نخستین توجه خود را به بخش زراعت معطوف نموده و از طریق بوجود آوردن کوپراتیف های زراعتی و دامداری با همکاری بخش خصوصی، از طریق سرمایه گذاری ها تولیدات را بالا برده و حتی المقدور سعی خواهد گردید تا تولیدات داخلی بتواند جایگزین مایحتاج وارداتی گردد و بالاخره ما بتوانیم مازاد تولیدات زراعتی محصولات گوشتی و لبنی دام خود را به خارج صادر نماییم و درین رابطه اولویت ما به کشت نباتات استراتژیک چند منظوره خواهد بود تا صنایع زراعتی نیز به رشد متوازن برسد. تأکید تیم تدبیر و توسعه بر کاشت محصولات دارای ارزش بالای غذایی مثل لوبیا، عدس (نسک)، و غیره است و همچنین صنعتی سازی این مواد زراعتی است. برای تحقق هدف یاد شده به صد ها متخصص و کارگر و دهقان نیاز است. این طرح می‌تواند **بیست در صد جوانان کشور را از بیکاری نجات دهد.**

راهکار مشخص تیم تدبیر و توسعه در قسمت توجه به سکتور زراعت و مالداری و انکشاف این عرصه، خرید تضمینی محصولات زارعین و دهقانان، تا **پنجاه فیصد بالاتر از نرخ بازار**، است؛ به گونه ای که در خرید تضمینی قیمت مشخصی ارائه می‌شود و زارعین تمام حاصل خود را بر اساس نرخ تصویب شده به حکومت فروخته و حکومت آن را در مناطق و ولایت های مختلف به **نرخ روز** توزیع خواهد کرد. از این طریق زمین های کشور حداکثر حاصلات خود را خواهند داد و به میزان فراوانی از وابستگی غذایی به خارج بی نیاز و خود کفا خواهیم شد. در عین حال این امر زمینه بازگشت دهقانان به روستاها را فراهم ساخته و از تراکم جمعیت و کاستی های اجتماعی و امنیتی ناشی از تمرکز زندگی در شهرها جلوگیری می‌کند.

## ۲. سکتور صنعت و معدن

تیم تدبیر و توسعه معتقد است که معادن و صنایع لازم و ملزوم یکدیگر بوده و با تغییر شکل مفید تولیدات معدنی به سمت صنعتی شدن افغانستان برود. با توجه به تولیدات معدنی مختلف بخصوص نفت و گاز، سنگ های قیمتی، مس،

لیتیوم، و یورانیوم افغانستان می‌تواند با سرمایه گذاری بخش خصوصی و با اولویت سرمایه گذاری به بخش داخلی کارخانه‌های تولید این گونه وسایل صنعتی را در داخل کشور فعال بسازد.

از آن جا که شرکت‌های بزرگ امتیاز بیشتر مطالبه می‌کنند که این برای دولت و مردم افغانستان مقرون به صرفه نیست، می‌توان به وضاحت گفت که عملیاتی شدن قراردادهای چون معدن مس عینک، یا نفت و گاز حوزه آمو دریا، و یا ذغال سنگ معدن کرکر نیز نمی‌تواند اطمینان بخش باشد. در نتیجه با گذشت چندین سال دیده می‌شود که نرخ بیکاری در افغانستان به حد بحران افزایش یافته است. بنابراین تیم تدبیر و توسعه مصمم است تا استراتژی عملی این برنامه را از صفر و با حمایت سرمایه گذاری بخش خصوصی داخلی، از معادن کوچک و سنگهای قیمتی و نیمه قیمتی آغاز نماید. این امر می‌تواند خود به خود شرکت‌های بزرگ و متوسط را در میدان رقابت به نفع تولیدات ملی و کار آفرین بکشانند. این تصمیم سبب خواهد شد تا در یک برنامه چهار ساله **حدود ۲۰ فیصد** از جوانان متخصص به این سکتور جذب و شامل فعالیت گردند.

### ۳. سکتور ترانسپورت، تجارت و راه سازی

ترانسپورت و زیرساخت‌های معیاری آن مانند شاه‌رگ حیاتی کشور می‌باشد و به هر میزان سرمایه گذاری درین بخش صورت گیرد، تجارت ملی و بین‌المللی رونق خواهد یافت. فراهم نمودن تسهیلات در قسمت ترانسپورت، ترانزیت و تجارت سبب کار آفرینی و سهولت در زندگی شهروندان خواهد گشت.

تیم تدبیر و توسعه با توجه به اهمیت مسیرهای مواصلاتی و ترمینال‌های بین شهری، میان روستایی و بین‌المللی، طرح خویش را از طریق بخش خصوصی عملی خواهد کرد. در نظر است که احداث راه‌های مواصلاتی و پوسته‌های جمع آوری تعرفه‌شاهراه‌ها از طریق بخش خصوصی با مدیریت سالم مجریان امور انجام گردد که در نتیجه می‌توان گفت الی ۱۵ درصد از جوانان بیکار درین بخش بکار مصروف خواهند شد.

### ۴. سکتور صحت

با توجه به اهمیت صحت در افغانستان، یک فصل از منشور «تدبیر و توسعه» به صحت و تندرستی اختصاص یافته است. با آنهم در اینجا باید گفت با توجه به این که مسایل صحتی و امراض واگیر در افغانستان زیاد است، بنابراین توجه کشورهای دوست و نهادهای بین‌المللی به سکتور صحت همیشه متمرکز بوده ولی حکومت‌های قبلی بخاطر مدیریت ناسالم و فساد حاکم، نتوانستند از کمک‌های جهانی به نفع مردم استفاده کنند و در نتیجه موسسات صحتی دولتی و خصوصی از کیفیت لازم برخوردار نبوده و هزاران هموطن ما از سبب بی کیفیت بودن خدمات صحتی تلف



می‌گردند و یا راهی کشور های همجوار می‌شوند که از یک طرف کار آفرینی درین بخش را آسیب رسانیده و از جانب دیگر سبب فرار سرمایه ملی مان می‌گردد.

تیم تدبیر و توسعه مصمم است تا با توجه ویژه درین بخش کیفیت طبابت را بالا برده و با معیاری سازی پوهنتونهای خصوصی و دولتی مطابق با استانداردهای جهانی و توانمندسازی سکتور صحت با آخرین تجهیزات و تکنالوژی‌های طبی، جوانان کشور را درین بخش با کار آفرینی یاری رساند.

### ۵. سکتور تعلیم و تربیه و تحصیلات عالی

با آنکه آموزش و پژوهش در یک فصل جداگانه مورد بررسی دقیق قرار گرفته است، در اینجا فقط می‌توان گفت که سکتور تعلیم و تربیه و تحصیلات عالی بخاطر عدم توجه دولت درین بخش از هجده سال به این طرف از معیار و کیفیت لازم برخوردار نیست. تعلیم و تربیه سنگ بنای زیرین سلوک مثبت و اندوختن دانش است، بنابراین دولت های گذشته با توجه به فساد اداری و ساختاری موجود در سیستم حاکمیت به پرورش اولاد وطن توجه نکرده و اهداف تعلیم و تربیه را در وجود کسانی که ازین موسسات فارغ شده اند نتوانستند برآورده سازند.

از آنجا که برنامه های اساسی تیم تدبیر و توسعه برای ارتقای آموزش، به صورت کامل در فصل مربوطه بررسی شده است، نیازی دیده نمی‌شود تا در اینجا نیز به صورت مشروح مورد بررسی قرار گیرد. به صورت خلاصه می‌توان گفت که رویکرد تیم تدبیر و توسعه در عرصه معارف و تحصیلات عالی این است که علم و دانش باید تبدیل به ابزار معیشت شود و رویکرد نتیجه‌گرا و عمل‌گرا بر عرصه آموزش کشور حاکم شود. همچنین پوهنتونهایی که محصلین «کارجو» تربیت می‌کنند به دانشگاههای «کارآفرین» تبدیل شوند تا دیگر در کشور تحصیلکرده بیکار نداشته باشیم.

### ۶. سکتور بیمه

بیمه صحتی و بیمه اجتماعی یکی از نیازهای مبرم برای تقویت خصوصی سازی در کشور به حساب می‌آید. مردم افغانستان به سبب نداشتن بیمه به بخش خصوصی علاقه ندارند. زیرا مانند کارکنان شاغل در بخش دولتی از حقوق تقاعد مستفید شده نمی‌توانند و در زمان کهولت و پیری نیز کسی نیست که آن‌ها را یاری رساند. برای برطرف نمودن این مشکل، بیمه یکی از نهاد های اساسی خواهد بود که کارگران و مامورین شاغل در بخش خصوصی را که از حوادث مصدوم می‌گردند، یاری می‌نماید. همچنین در ایام بازنشستگی و تقاعد نیز مطابق به قوانین نافذ، دولت مجبور است به آن‌ها حقوق تقاعد نیز پردازد. (طرح‌های مربوط به بخش متقاعدین در فصل جداگانه‌یی ارائه شده است.)

هنوز نمی‌دانیم که عواید اداره بیمه ما به کجا می‌رود و چه کسی از آن استفاده می‌کند، ولی هرچه باشد بیمه وظیفه اساسی خود را تا کنون در افغانستان انجام نداده و یکی از نهاد های بیکاره به شمار می‌رود. تیم تدبیر و توسعه در قدم اول شرکت بیمه های موجود را موظف به انجام وظایف و ارائه خدمات معیاری می‌سازد و در قدم دوم سعی خواهد نمود تا ضمن فرهنگ سازی و آگاهی رسانی در سطح جامعه، بخش های خصوصی را وارد خدمات بیمه نموده تا با فراهم نمودن میدان رقابت سالم، برآورده شدن اهداف بیمه را تسهیل نماید. بیمه ها نیز سکتورهای صحی، تجارتي، اجتماعي، وسایط، و اماکن دارند که باید تمام انواع بیمه در افغانستان فعال و برای اماکن و وسایط نقلیه اجباری گردد.

## ۷. سکتور امنیت

به باور ما تروریزم و مشکلات امنیتی در افغانستان در قدم اول منشاء داخلی دارد که بخشی از آن ناشی از سیاستهای تبعیض آمیز و غیر عادلانه زمامداران گذشته است. این بی عدالتی ها و شکافهای هویتی ناشی از آن، زمینه را برای دخالت های خارجی مساعد ساخته است.

تیم تدبیر و توسعه مصمم است تا عوامل داخلی که موجب نارضایتی عام و رشد تروریزم گردیده با پیش کش نمودن طرح های سازنده اصلاحی در بخش های فرهنگی، اقتصادی و کار آفرینی و تعمیم عدالت اجتماعی از میان بردارد تا انگیزه مخالفت با دولت در میان اقشار مختلف مردم از میان برود و در قدم دوم منافع مشروع کشورهای رقیب در افغانستان از طریق فراهم نمودن تسهیلات در بخش همکاری های منطقه یی حفاظت گردد. طرح مورد نظر ما ایجاد یک «جامعه امن اقتصاد محور» با محوریت افغانستان در منطقه است. ما باید آنقدر منافع اقتصادی کشورهای منطقه را در افغانستان به هم پیوند بزنیم، که ناامنی در افغانستان به صورت مستقیم به منافع اقتصادی کشورهای منطقه آسیب بزند.

از سوی دیگر در صورت تقویت حس ملی از طریق فرهنگی سازی در میان نیروهای امنیت، سکتور امنیتی کشور به سادگی قادر خواهد بود تا در راستای تحقق اهداف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور با مردم همگام شده و برای مقابله با تهدیدات و زیاده خواهی های خارجی، حمایت مردمی را با خود داشته و آن را در همیاری با مردم افغانستان مهار نماید.

برای برآورده شدن این هدف تیم تدبیر و توسعه از شرکای بین المللی مبارزه با تروریزم به خصوص ایالات متحده و ناتو خواهد خواست که حضور نظامی شان در افغانستان را که انگیزه مهمی برای جنگ مخالفین فراهم می کند، خاتمه بخشیده و مصارفی را که برای حضور نظامیان خود در کشور ما در نظر گرفته اند با سایر تعهدات مالی که در قالب



کنفرانس های گذشته صورت گرفته، به دولت افغانستان پردازند تا دولت بتواند ظرفیت و مورال دفاعی سکتور امنیتی خود را ارتقاء بخشیده به دغدغه نا امنی نقطه پایان گذارد. همچنین باید از نیروهای امنیتی کشور که بخش عمده‌یی از آنها از جوانان هستند، در راستای انکشاف و بازسازی افغانستان بهره جست. نظام وظیفه عسکری نیز می‌تواند مورد بررسی قرار گرفته و بعد از ایجاد زیرساختهای مناسب، اجباری شود. این به تعمیق و نهادینه سازی حس و مسوولیت ملی در میان جوانان کمک شایانی می‌کند و می‌تواند مانع گرایش آنها به اعتیاد و جرایم ناشی از بیکاری شود.

## ۸. توسعه اقتصادی

توسعه اقتصادی به صورت جداگانه در یک فصل مورد بررسی دقیق تیم تدبیر و توسعه قرار گرفته است. با آنهم در این مجال باید به صورت خلاصه گفت که فقر، بیکاری، نبود زمینه های تعلیم و تحصیل همه شمول و غیره موارد مرتبط به شغل یابی ارتباط مستقیم به ضعف اقتصادی و وابستگی افغانستان به کمک های خارجی دارد. از سوی دیگر هنوز هم تمویل بودجه ملی و سایر برنامه‌های انکشافی از طریق مساعدت کشورهای خارجی و یا سازمان‌های منطقه‌یی و بین‌المللی صورت می‌گیرد. این کمک ها از دو طریق به مصرف می‌رسد؛ بخش عمده آن خارج از بودجه ملی یعنی توسط کمک کننده ها در بخش های عادی و انکشافی مستقیماً به مصرف می‌رسد و در بعضی حالات گزارش مصرف آن به حکومت افغانستان شریک می‌گردد، اما در بیشتر حالات حکومت هم از چگونگی مصرف آن در جریان قرار داده نمی‌شود. دوم کمک های اندک که با توجه به اولویت های دولت و یا از طریق بودجه ملی به مصرف می‌رسد که نسبتاً تاثیر مثبت دارد. ولی در کل با اتکا به کمک های خارجی نمی‌توان رشد و انکشاف پایدار اقتصادی را شاهد بود. مهم است تا به عوض کمک های خارجی به سرمایه گذاری های اقتصادی اولویت قابل شویم و تلاش به عمل آید تا نخست سرمایه گذاری های داخلی را حمایت و تقویت نماییم، صنایع که مواد خام آن در داخل فراوان است با وضع تعرفه های گمرکی و مالیاتی سنگین بر اموال مماثل خارجی حمایت گردد و در کنار آن زمینه سرمایه گذاری خارجی مساعد و حمایت گردد. یکی از برنامه های اساسی تیم تدبیر و توسعه برای حمایت از تولیدات داخلی و جلوگیری از فرار سرمایه از کشور، این است که «**تمامی محصولاتی که در داخل افغانستان تولید می‌شود، باید از مالیه معاف شوند**»، همچنین ورود تمامی مواد خام که به هدف تولید در داخل افغانستان وارد می‌شود، از **مالیه و محصول معاف خواهد بود**. برنامه های اقتصادی به تفصیل در فصل توسعه اقتصادی بحث خواهد شد.



## ۹. تأمین بودجه ملی

یکی از مهم ترین نیازهای دولت افغانستان و شاخص مهم استقلال نسبی اقتصادی آن، تأمین بودجه ملی است. با توجه به تأمین بودجه از منابع خارجی طی دو دهه گذشته، دولت تا کنون هم قادر نشده تا بودجه ملی را از عواید و منابع داخلی تمویل نماید. لذا با مبارزه جدی علیه فساد اداری و تجمل گرایی در ادارات دولتی، کوچک نمودن تشکیلات دولتی، شفافیت و مسوولیت شناسی در تحصیل عواید ملی و نیز جستجوی منابع تازه و جدید برای افزایش عواید ملی جهت تأمین بودجه ملی تلاش صورت خواهد گرفت. نظارت درست از نظام مالیاتی، جذب سرمایه گذاری خارجی، کاهش هزینه های دولت مانند کم کردن تعداد دیپلماتان و سفارتخانه ها و کیفی کردن دستگاه دیپلوماسی از منظر منابع بشری، منع خریداری اموال و اجناس تجملی، اتکای دولت به تولیدات داخلی و منع خریداری کالاهای قیمتی وارداتی، استفاده مناسب از وسایط در ارگان های دولتی از یکسو و از سوی دیگر حسابدهی از چگونگی مصرف عواید ملی از طریق بودجه مؤثر و شفاف برای شهروندان در یک پروسه مشارکتی، سرمایه گذاری در منابع طبیعی زیرزمینی و آب، از منابع عمده دیگر برای تأمین بودجه ملی خواهد بود که دولت تدبیر و توسعه دستیابی به آن را به هدف تأمین و صرفه جویی در بودجه ملی در برنامه های خود دارد.

## ۱۰. کمک های خارجی به افغانستان

از سال ۲۰۰۱ میلادی و بعد از کنفرانس بُن که نقطه عطفی در تاریخ افغانستان می باشد، کمک های خارجی به حکومت موقت افغانستان که بر مبنای فیصله کنفرانس بُن به وجود آمده بوده آغاز گردید و با افزایش و کاهش گراف آن تا اکنون ادامه دارد. عمده ترین بخش این کمک ها از طریق خود کمک کنندگان به مصرف رسیده و قسمت محدود آن از طریق بودجه دولت. سوال اساسی که در این مجال مطرح می گردد می تواند این باشد که چرا این کمک ها نتیجه پایدار و مؤثری بر زندگی عموم مردم نداشته و متأسفانه هنوز هم احساس خطر از دست رفتن این دستاوردها احساس می گردد. شاید یکی از عوامل آن این باشد که این کمک ها بر مبنای یک استراتژی رشد اقتصادی که می باید از جانب حکومت طرح و تطبیق می گردید، صورت نگرفته است و حتی گزارش مصرف آن نیز به شکل کل با حکومت افغانستان شریک نگردیده است. از این جهت حکومت قادر به پاسخ گویی به مردم نبوده است. گرچه بعدها استراتژی های انکشافی طرح گردید، اما بیشتر جنبه نمایشی داشته و لذا نتوانست تبدیل به برنامه های عملی در ادارات حکومت شود. بناءً تأثیری بر زندگی واقعی و معیشت مردم نداشته است.



میان سرمایه‌گذاری خارجی و کمک خارجی باید تفکیک قایل شد. سرمایه‌گذاری خارجی راهی استوار برای رشد است و کمک خارجی راهی برای تنبلی و وابستگی یک ملت. تاریخ روابط بین‌الملل به ما می‌آموزد که با تکیه صرف بر کمک‌های خارجی نمی‌شود کشور را ساخت، اما برای جبران کمبود سرمایه و اشتغال‌آفرینی، می‌توان از سرمایه‌گذاری خارجی بهره برد. با سرمایه‌گذاری‌های خارجی همچنین می‌توان ورود و انتقال مهارت‌های تکنالوژیک و فنی توسط متخصصین خارجی را شاهد بود که طبیعی است نفع آن به افغانها خواهد رسید و خلای کمبود ظرفیت نیز جبران می‌گردد. این سرمایه‌گذاری‌ها زمینه ارتباطات دوجانبه را میان ملت‌ها شکل می‌دهد و تنش‌ها را نیز کاهش خواهد داد. در حالی که در کمک‌های خارجی چنین نیست، نباید فراموش کرد که کمک عمدتاً جهت تحقق سیاست‌های اقتصادی کشورها صورت می‌گیرد و می‌تواند جنبه استعماری نیز داشته باشد.

مشکل بعدی مرتبط با کمک‌های خارجی این است که بیشتر از این کمک‌ها توسط نهادهای غیردولتی و یا به رهبری مقامات عالی‌رتبه دولتی **دو تابعیت** به مصرف رسیده و دوباره به کشورهای مبداء بازگشته است. افغانستان جزو محدود کشورهای فقیر در دنیا است که اتباع دو پاسپورته آن، به جای وارد کردن پول به اقتصاد ملی کشور مادری خود، از این کشور فقیر و بیچاره سالانه صدها میلیون دالر را خارج می‌کنند.

از سوی دیگر این کمک‌ها زمانی مؤثر و مثمر می‌شود که از طریق بودجه ملی و طبق اولویت‌های ملی به مصرف برسد به خصوص در بخش زیربناها. مهتر از همه قید و شرط‌های مساعدت‌ها باید در جهت تقویت تقویت حکومتداری خوب در افغانستان باشد و دولت در چهارچوب مکانیزمهای نظارتی، طبق برنامه‌های انکشافی خود آن را به مصرف برساند.

در کوتاه مدت نیاز است تا مشارکت میان دولت و سکتور خصوصی داخلی تقویت شود و از ظرفیت‌ها و منابع مشترک در برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان مدت و دراز مدت سرمایه‌گذاری استفاده شود. در سرمایه‌گذاری‌ها دولت باید آماده پذیرفتن ریسک شود و سهم بیشتر را در بخش‌های آسیب‌پذیر به عهده بگیرد و رشد اقتصادی را نیز از مناطق کمتر انکشاف یافته آغاز نماید تا زمینه برای انکشاف متوازن در کشور مساعد گردد. در مناطق محروم ظرفیت خوب و روحیه بالقوه‌ی برای نیل به توسعه ملی وجود دارد. به این معنی که مردم ساکن در مناطق محروم به کار خودشان باورمند بوده و عقیده دارند تا در تطبیق برنامه‌های انکشافی مشورت داده و سهیم شوند.

## ۱۱. نهادهای دولتی متکثر و موازی

یکی از مشکلات اساسی که پلان ها، استراتژی ها و سیاست های مالی را در سطح حکومت ناموفق ساخته و در نتیجه رشد اقتصادی و سیاسی را کند کرده، بزرگ بودن دولت و همچنین تشکیلات موازی است. بنابراین باور تیم تدبیر و توسعه این است که در وهله نخست باید دولت کوچک شود. زیرا که تعداد وزارت های فعلی به هیچ صورت متناسب با بودجه و نیاز های توسعه یی افغانستان نیست. تعدادی از وزارت ها و نهاد ها هم به خاطر اشخاص ایجاد شده است، و نه به خاطر نیاز های اداری افغانستان. (برای کوچک تر و کارآمد کردن نهادهای دولتی، طرح جداگانه یی در انتهای این فصل ارائه شده است.) در خصوص نهادهای موازی نیز باید گفت طرح ما این است که تمامی نهادهای سکتور دولتی و خصوصی ارزیابی گردیده و بعد از تحقیقات لازم نهادهای موازی دولتی که امکان کوچکتر شدن دارند، کوچکتر شده تا بخش خصوصی بزرگتر شود.

## ۱۲. شهر الکترونیک

شکل گیری شهر الکترونیک وابسته به توسعه تکنولوژی است. شهر الکترونیک شهری است که اغلب فعالیت ها در آن به وسیله تسهیلات اینترنتی و سیستم های الکترونیکی تحقق می یابد. حکومت **تدبیر و توسعه** در یک برنامه دو ساله و در مرحله اول پنج شهر کابل، هرات، قندهار، مزار شریف، و جلال آباد را به شهر های نمونه الکترونیک افغانستان تبدیل خواهد کرد. این روند به تدریج به سایر شهر های بزرگ و نیمه بزرگ افغانستان نیز تسری پیدا خواهد کرد. ایده شهر الکترونیک شامل چهار بخش اساسی است:

- ۱- زندگی الکترونیک
- ۲- سازمان الکترونیک
- ۳- دولت الکترونیک
- ۴- زیرساخت الکترونیک

مزایای شهر الکترونیک شامل افزایش کارایی، اثر بخشی و صرفه جویی در مدیریت شهری، آسایش و رفاه شهروندان در دسترسی به خدمات شهری و مشارکت بیشتر آنها در امور شهری، انتشار سریع اطلاعات و هماهنگی بیشتر بین واحدهای اصلی و فرعی نهادها و دوایر شهری و کمک به اجرای وظایف شاروالی ها همانند توسعه زیر ساختار شبکه، فرهنگ، امور آموزشی و اجتماعی است.

### ۱۳. برنامه ریزی شهری

هدف کلی برنامه‌ریزی شهری ایجاد ساختار و فضا برای فعالیت‌ها می‌باشد. برنامه‌ریزی شهری فرآیندی پویا دارد، چرا که شهر مانند یک موجود زنده می‌باشد که عوامل محیطی مکانیسم آن را متأثر می‌کنند؛ مثلاً مکانیسم اقتصادی به صورت ارزش زمین و اجاره‌بها سبب تحریک شهر می‌شود یا مکانیسم اجتماعی در قالب سنت‌ها، عادات و مذهب بر موجودیت شهر تأثیر می‌گذارد، از این رو تمام این عوامل در برنامه‌ریزی شهری مورد توجه قرار می‌گیرد. با توجه به موارد مذکور، ماهیت برنامه‌ریزی شهری بر روند مداوم، پیوسته و پایان‌ناپذیر شهرسازی و پویایی آن دلالت دارد. برنامه‌ریزی شهری با دید وسیعی که دارد تمام عوامل مؤثر بر شهر را مورد توجه قرار می‌دهد. در مجموع برنامه‌ریزی شهری، عبارت است از تعیین سیاست‌های کلی دستگاه‌های اجرایی یک شهر، با توجه به راه‌حل‌های محکم و اجرایی گوناگون برای تخصیص منابع و امکانات و اولویت‌بندی آن‌ها در جهت رفع نیازها به ترتیبی که اسباب و عوامل رفاه و خدمات در یک شهر فراهم آید.

### ۱۴. انکشاف متوازن و پایدار شهری

توسعه پایدار شهر، باید به گونه‌ای باشد که کاربری‌ها در تمام سطوح نیازهای مردم، از جمله مسکن، اوقات فراغت، غذا و ارتباطات را مهیا نماید. شهر به لحاظ بوم‌شناختی، باید دارای هوای پاک، آب صحی و سالم باشد و در آن تخریب و آلودگی خاک، آب‌های زیرزمینی و غیره صورت نگیرد. آنچه محیط ما را تهدید می‌کند، قبل از آن که ناشی از عدم شناخت آن باشد، حاصل به کارگیری شناخته‌های ما از محیط است و این بخش عمده‌ای از ناپایداری در توسعه را باعث شده است. جهانی که در آن زندگی می‌کنیم جهان شهری است که متأسفانه نتیجه آن دوری از محیط طبیعی و پذیرش ناخواسته عدم تعادل‌هایی است که از روابط ناموزون انسان‌ها و فضای شهری نشأت می‌گیرد. گسترش شهرنشینی و کاربری‌های انسان‌ساخت در طبیعت موجب تغییرات زیر بنایی در ساختار و کارکرد بوم‌شناسی سیمای سرزمین و همچنین صدمه رسیدن به محیط زیست و افزایش آلودگی در افغانستان شده است.

### ۱۵. انکشاف دهات

بنابر تعریف بانک جهانی در سال ۱۹۷۵، توسعه روستایی به عنوان «راهبردی با هدف بهبود شرایط زیستی - اجتماعی و اقتصادی متمرکز بر گروه مشخصی از مردم فقیر در یک ناحیه روستایی، تعریف شده است. این راهبرد فقیرترین



گروه در میان مردم ساکن در نواحی روستایی را به منظور بهره بردن از منافع توسعه یاری می کند» این تعریف به معنی تغییر مفهوم توسعه در اوایل دهه ۱۹۷۰ و ورود مباحث سیاسی و اجتماعی به بحث توسعه روستایی گردید. بنابراین توسعه روستایی بهبود منابع حیاتی را از طریق اجرای توسعه فراگیر برای نواحی روستایی که اکثریت مردم آن زندگی فقیرانه دارند، هدف قرار می دهد. همچنین توسعه روستایی می تواند به کاهش فقر در نواحی شهری به وسیله کاستن از جریان ورودی جمعیت اضافی نواحی روستایی به شهر، کمک کند.

## ۱۶. سروی سرزمینی افغانستان

منظور از سروی سرزمین، رسیدن به مطلوب ترین توزیع ممکن جمعیت، توسط بهترین شکل توزیع فعالیت های اقتصادی و اجتماعی در پهنه سرزمین است. امری که در برنامه های توسعه افغانستان به آن پرداخته نشده است. سروی سرزمین به معنای بهره برداری بهینه از امکانات در راستای بهبود وضعیت مادی و معنوی و در قلمرو جغرافیایی خاص است. در این طرح مزیت های طبیعی، اجتماعی و اقتصادی ساماندهی و نظام بخشی می شود. در واقع سروی سرزمین بهترین نوع توزیع جغرافیایی فعالیت های اقتصادی با توجه به منابع طبیعی و انسانی است. سروی سرزمین در حال حاضر شامل ساماندهی اجتماعی و فرهنگی و محیط زیستی به منظور تحقق آینده ای مطلوب در افغانستان پیشنهاد می شود.

\*\*\*\*\*

## طرح کوچک کردن تشکیلات حکومت افغانستان

### در دولت «تدبیر و توسعه»

تورم تشکیلات حکومتی، تداخل وظیفه‌یی میان نهادهای مختلف و بالاخره موجودیت نهادهای موازی برای اجرای امور مشابه و یکسان، در کنار صدها مشکل دیگر که نهاد دولت در افغانستان از آن رنج می‌برد، از عوامل عمده عدم کارایی دولت به شمار می‌رود. از این رو تیم انتخاباتی تدبیر و توسعه باورمند به وجود یک **دولت مختصر، حداقلی** ولی کارآمد می‌باشد و باور دارد که بخش عمده این فعالیت‌ها، می‌تواند بواسطه سکتور خصوصی بشکل موثرتر و سریع‌تر انجام پذیرد، و باید به آن واگذار گردد. برای دستیابی به دولت حداقلی که لازمه نیل به توسعه یافتگی در افغانستان است، باید به موارد زیر توجه داشت:

- تعداد نهاد های دولتی در حال حاضر به اساس سایت رسمی نهاد ریاست جمهوری افغانستان به ۲۶ وزارت، ۲۲ اداره و ریاست عمومی، ۸ کمیسیون و ۱۱ شورا می‌رسد. این در حالیست که یک‌تعداد از ادارات تازه تاسیس یافته درج این سایت نگردیده است. مانند اداره ملی تنظیم امور داوایی و .... لذا بعد از یک مرور اجمالی به بخش عمده وظایف و مسولیت های این وزارت خانه ها تشابهات وسیع و گسترده ای میان اهداف و وظایف شان دریافت گردید. به همین اساس طرح ما این است که بخش های مشابه و دارای اهداف یکسان و موازی باید باهم ادغام گردد.
- تعداد دیگری از این وزارت خانه‌ها که میراث نامیمون حکومت‌های گذشته بوده و یا هم جدیداً غرض فریب اذهان داخلی و خارجی ساخته شده اند و در حال حاضر در دولت مدرن و دموکراتیک مورد نظر ما در افغانستان از هیچ جایگاه و موثریتی برخوردار نیستند باید حذف گردند یا هم کارکرد و تشکیلات آنها نتیجه‌گرا شود. مانند وزارت اقوام و قبایل، وزارت امور زنان و...
- تعدادی از وزارت خانه‌ها که حجم مسولیت های وظیفوی و کاری آنها کوچکتر از تشکیل یک وزارت خانه را ایجاب می‌نماید، باید به سطح یک اداره مستقل تقلیل داده شود. مانند وزارت حج و اوقاف.
- برخی از ادارات غیر ضروری که جز تجمع گروهی از افراد و زمینه‌سازی برای فساد گسترده دولتی کارکرد دیگری ندارند، باید از سیستم تشکیلات دولتی حذف گردند. مانند اداره ارگانهای محل، و ...



- شوراهای عالی متعددی که در حال حاضر وجود دارند و باعث بی‌صلاحیت شدن وزارت‌خانه‌ها و ادارات شده‌اند، باید کاملاً از سیستم تشکیلات دولت خارج و حذف گردند.

در طرح مورد نظر تیم تدبیر و توسعه برای کوچک کردن دولت، اقدامات زیر انجام می‌شود:

۱. تعداد وزارت‌خانه‌ها از ۲۶ وزارت به ۱۶ وزارت تقلیل می‌یابد. لست وزارت‌های قبلی و پیشنهادی در انتهای این طرح ارائه می‌شود.
۲. تعداد ادارت دولتی از ۲۲ اداره در حال حاضر، به ۱۲ اداره کاهش داده شده که در این جمله اداره جدیدالتأسیس «امور حج و اوقاف» که تغییر یافته وزارت حج و اوقاف است، اضافه شده است. لست ادارات قبلی و پیشنهادی جدید در انتهای طرح ارائه می‌شود.
۳. تعداد کمیسیون‌های موجود در حال حاضر ۸ کمیسیون است که در این طرح به ۴ کمیسیون کاهش یافته است. لست کمیسیون‌های قبلی و پیشنهادی نیز در انتهای طرح ذکر می‌شود.
۴. در حال حاضر ۱۲ شورا در سایت رسمی ریاست جمهوری تذکر رفته که در این طرح لغو همه آنها در نظر گرفته شده و تنها لست شورا‌های موجود در انتهای این طرح وجود دارد.
۵. وزارت‌ها و اداراتی که لغو آنها پیشنهاد گردیده در موارد ضروری وظایف آنها به وزارت‌خانه‌ها و ادارات پیشنهادی ارجاع داده شده است. که در انتهای طرح وجود دارد.

### لست وزارت‌های پیشنهادی در دولت «تدبیر و توسعه»

۱. وزارت امور خارجه و تجارت (در قرن ۲۱ و در عصر جهانی شدن، سیاست خارجی باید تسهیل‌کننده روابط اقتصادی و تجاری ما با جهان باشد)؛
۲. وزارت امور داخله؛
۳. وزارت دفاع ملی؛
۴. وزارت مالیه و اقتصاد (از تلفیق وزارت‌های مالیه و اقتصاد فعلی)؛
۵. وزارت تحقیقات و تحصیلات عالی (اهمیت پژوهش در کنار آموزش به تفصیل در فصل آموزش و تحصیلات عالی آمده است)؛
۶. وزارت معارف؛
۷. وزارت صحت عامه و ورزش (این دو عرصه لازم و ملزوم یکدیگرند. با توجه به میزان ۳ میلیون معناد در کشور، حکومت باید هم‌پالیسی برای پیشگیری از اعتیاد و امراض را داشته باشد و هم ظرفیت و اراده برای درمان مبتلایان را)؛
۸. وزارت عدلیه؛
۹. وزارت انرژی، معادن و صنایع (از ادغام وزارت معادن و پترولیم، و بخش صنایع از وزارت تجارت با وزارت انرژی و آب)؛



۱۰. وزارت بازسازی (ادغام وزارت‌های شهرسازی و احیا و انکشاف دهات در دو معینیت مد نظر ما است)؛
۱۱. وزارت آب، زراعت و مالداري (با ادغام اداره مستقل اراضی و بخش آب از وزارت انرژی و آب)؛
۱۲. وزارت فواید عامه (با ادغام وزارت ترانسپورت، و هوانوردی ملکی)؛
۱۳. وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین؛
۱۴. وزارت اطلاعات و فرهنگ؛
۱۵. وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی؛
۱۶. وزارت خانواده و جوانان (به جای وزارت زنان).

### وزارت‌هایی که لغو کامل آنها پیشنهاد می‌گردد.

۱. وزارت دولت در امور پارلمانی (بخشی با همین کارکرد در چارچوب ریاست اداره امور ریاست جمهوری و همچنین در چارچوب ریاست دفتر تمامی وزارت‌ها و نهادهای دولتی تأسیس میشود).
۲. وزارت ارشاد، حج و اوقاف (نهاد جدید و با صلاحیتی تحت عنوان اداره عمومی حج و اوقاف تأسیس می‌شود).

### وزارت‌هایی که ادغام آنها در سایر وزارت‌ها پیشنهاد می‌شود:

۱. وزارت امور سرحدات اقوام و قبایل (ادغام با وزارت امور خارجه و وزارت امور داخله)؛
۲. وزارت مبارزه علیه مواد مخدر (ادغام در وزارت‌های امور داخله، صحت، کار و امور اجتماعی)؛
۳. وزارت امور مهاجرین (ادغام در وزارت امور خارجه و تأسیس معینیت امور قونسل‌ی و افغانستان‌های خارج کشور)؛
۴. وزارت انکشاف شهری (ادغام در وزارت بازسازی)؛
۵. وزارت احیا و انکشاف دهات (ادغام در وزارت بازسازی)؛
۶. وزارت ترانسپورت و هوانوردی ملکی (ادغام در وزارت فواید عامه)؛
۷. وزارت معادن و پترولیم (ادغام با وزارت انرژی و آب)؛
۸. وزارت اقتصاد (ادغام با وزارت مالیه و تاسیس وزارت جدید مالیه و برنامه ریزی)؛
۹. وزارت تجارت و صنایع (بخش تجارت به وزارت امور خارجه و بخش صنعت به وزارت انرژی).

### لست ادارات دولتی و ریاست‌های عمومی که باید حفظ / اضافه شود:

۱. لوی سارنوالی؛
۲. اداره ملی حفاظت از محیط زیست؛





۳. اداره ملی استندرد؛
۴. اداره ملی آمادگی مبارزه با حوادث؛
۵. اداره ملی احصائیه مرکزی؛
۶. اداره ملی جیودیزی و کارتوگرافی؛
۷. اداره عمومی حج و اوقاف (جدید)؛
۸. شاروالی؛
۹. جمعیت هلال احمر؛
۱۰. ریاست عمومی امنیت ملی؛
۱۱. کمیته ملی المپیک و تربیت بدنی (ادغام با وزارت صحت عامه و ورزش)
۱۲. ریاست اکادمی علوم افغانستان؛
۱۳. اداره بازرس.

#### لست ادارتی که لغو آنها پیشنهاد می گردد:

۱. اداره ارگانهای محل؛
۲. اداره هوانوردی؛
۳. اداره مستقل انسجام امور کوچی ها؛
۴. اداره عملیاتی و حمایوی انکشاف ملی؛

#### لست اداراتی که ادغام آنها پیشنهاد می گردد:

۱. اداره مستقل اراضی (با وزارت زراعت)؛
۲. اداره تعلیمات تخنیکی و مسلکی (با وزارت معارف)؛
۳. اداره ملی امتحانات (با وزارت تحصیلات عالی).

#### لست کمیسیون های پیشنهادی:

۱. کمیسیون مستقل حقوق بشر
۲. کمیسیون مستقل انتخابات
۳. کمیسیون مستقل شکایات انتخاباتی
۴. کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی (تغییر به کمیسیون عالی حراست از قانون اساسی)



## لیست کمیسیون هایی که لغو آنها مدنظر است:

کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی (تأسیس یک بخش به نام مدیریت اصلاحات اداری و خدمات ملکی در زیر مجموعه ریاست منابع بشری هر وزارت که به صورت مستقل کار کرده و به بخشی به همین نام در ریاست اداره امور ریاست جمهوری پاسخگو است).

۱. کمیسیون عالی انرژی اتمی
۲. کمیسیون حل منازعات کوچی ها و ده نشین ها
۳. کمیسیون عالی مهاجرت

## تکثر و تعدد وزارتها و نهادهای فعلی در حکومت افغانستان

شوراها	کمیسیون ها	ادارات دولتی	وزارت‌های موجوده
۱. شورای عالی اصلاحات اداری	۱. کمیسیون مستقل	۱. اداره لوی خاړنوالی	۱. وزارت احیا و انکشاف دهات
۲. شورای عالی قوای بشری	حقوق بشر	۲. اداره ارگانهای محل	۲. وزارت اطلاعات و فرهنگ
۳. شورای عالی اراضی و آب	۲. کمیسیون مستقل انتخابات	۳. اداره هوانوردی	۳. وزارت اقتصاد
۴. شورای عالی حاکمیت قانون و مبارزه با فساد اداری	۳. کمیسیون شکایات انتخاباتی	۴. اداره مستقل اراضی	۴. وزارت امور خارجه
۵. جلسه شورای امنیت ملی	۴. کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی	۵. اداره مستقل انسجام امور کوچی ها	۵. وزارت امور داخله
۶. کمیسیون تدارکات ملی	۵. کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی	۶. اداره عالی مبارزه با فساد اداری	۶. وزارت امور زنان
۷. شورای عالی اقتصاد	۶. کمیسیون عالی انرژی اتمی	۷. اداره بررسی	۷. وزارت امور سرحدات، اقوام و قبایل
۸. شورای عالی توسعه شهری	۷. کمیسیون حل منازعات کوچی ها و ده نشین ها	۸. اداره ملی حفاظت محیط زیست	۸. وزارت امور مهاجرین و عودت کننده گان
۹. شورای توسعه زیربناها	۸. کمیسیون عالی مهاجرت	۹. اداره ملی استندرد	۹. وزارت انرژی و آب
۱۰. شورای اتصال و توسعه همکاری‌های اقتصادی منطقوی		۱۰. اداره ملی آمادگی مبارزه با حوادث	۱۰. وزارت انکشاف شهری
۱۱. شورای عالی کاهش فقر، عرضه خدمات و مشارکت شهروندی		۱۱. اداره رادیو تلویزیون ملی افغانستان	۱۱. وزارت تحصیلات عالی
		۱۲. اداره تعلیمات تخنیکی و مسلکی	۱۲. وزارت تجارت و صنایع
		۱۳. اداره ملی امتحانات	۱۳. وزارت ترانسپورت و هوانوردی ملکی
		۱۴. اداره عملیاتی و حمایتی انکشاف ملی	۱۴. وزارت ارشاد، حج و اوقاف
		۱۵. اداره مرکزی احصائیه و معلومات	۱۵. وزارت دفاع ملی
		۱۶. اداره عمومی جیودیزی و کارتوگرافی	۱۶. وزارت زراعت، آبیاری و مالداری
		۱۷. شاروالی	۱۷. وزارت صحت عامه
		۱۸. جمعیت هلال احمر	۱۸. وزارت عدلیه
		۱۹. ریاست عمومی امنیت ملی	۱۹. وزارت فوائد عامه
		۲۰. ریاست عمومی تربیت بدنی و سپورت	۲۰. وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین
		۲۱. ریاست عمومی رادیو و تلویزیون ملی	۲۱. وزارت مالیه
		۲۲. ریاست آکادمی علوم	۲۲. وزارت مبارزه علیه مواد مخدر
			۲۳. وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی
			۲۴. وزارت معادن و پترولیم
			۲۵. وزارت معارف
			۲۶. وزارت دولت در امور پارلمانی

## خواسته های مردم از تیم تدبیر و توسعه

**توضیح قابل توجه:** منشور تیم تدبیر و توسعه برآمده از دل مردم و بر اساس فهم دردها، رنجها و نیازهای واقعی آنها نوشته شده است. ما هیچ طرحی را به صورت پیش فرض از کتابها نگرفته ایم، بلکه برای فهم مردم و خواسته های آنها به خودشان مراجعه کرده ایم. با طرح پرسشنامه به ذهن و ضمیر آنها وارد شدیم و هر برنامه یی را بر اساس نیاز آنها تدوین کرده ایم. این بزرگترین تفاوت تیم «تدبیر و توسعه» با سایر تیم های انتخابات ریاست جمهوری افغانستان است. مردم افغانستان صادقانه با تیم تحقیق ما سخن گفتند و با در نظر داشت تعلق صنفی شان انتظارات خود را از دولت مورد نظر ما بیان کردند. مهمترین خواسته های مردم که از ولایات مختلف کشور انتخاب شده و از هر قشر و صنفی نمایندگی می کردند، حاوی مسایل زیر بود:

**۱: امنیت:** تامین امنیت از مهم ترین مطالبات مردم بود. شهروندان بدون در نظر داشت جایگاه و منزلت اجتماعی شان از دولت خواستند تا تامین امنیت را در اولویت کاری خویش قرار دهد.

**۲: کار:** به وجود آوردن فرصت های شغلی از دیگر خواسته های مردم از تیم تدبیر و توسعه بود. به باور بسیاری از اتباع کشور، بیکاری از عوامل زایش بحران در کشور دانسته میشود.

**۳: مبارزه با فقر معیشتی:** فقر معیشتی با گذشت هر روز در افغانستان گسترش می یابد. دغدغه اکثریت مردم افغانستان به دسترس نبودن منظم وعده های غذایی است. افزایش گدایی و همچنین جرایم مصداق فقر معیشتی در کشور است. مردم از ما خواستند تا در صورت پیروزی، مبارزه با فقر معیشتی را به عنوان یکی از اولویت های اصلی خود قرار دهیم.

**۴: عدالت:** یکی از مهم ترین خواسته های مردم از رییس جمهور آینده این است تا دستگاه قضایی افغانستان را از فساد اداری، برخوردهای حزبی، گروهی و سلیقه یی نجات دهد تا عدالت در جامعه تامین گردد. یکی از عواملی که برخی از افراد به گروه های افراطی می پیوندند این است که نهادهای عدلی و قضایی افغانستان نمی توانند قانون را تطبیق نمایند.

**۵: توزیع عادلانه ثروت، قدرت و انکشاف:** مردم از رییس جمهور آینده میخواهند تا به مرکز گرایی در امر انکشاف و توسعه پایان دهد. مردم میخواهند تا پروژه های انکشافی به گونه عادلانه در همه نقاط افغانستان با در نظر داشت نیازمندی آنها عملی گردد. دولت تدبیر و توسعه به همه مناطق محروم کشور توجه می نماید. «توازن در انکشاف»، و نه «توازن در عقب ماندگی»، از اولویت های اساسی ما در آینده است.

**۶: مبارزه با فساد اداری:** مردم از ما خواستند که دولت تدبیر و توسعه باید فساد اداری را به گونه ساختاری ریشه کن کند.



**۷: امنیت شغلی:** خصوصی سازی نهادها در افغانستان باعث شده است تا دولت نظارت آن چنانی بر شرکت های خصوصی نداشته باشد. قانون کار باید در قسمت امنیت شغلی وضاحت داده شود. در حال حاضر شرکت های خصوصی هر وقت خواسته باشند افراد را استخدام میکنند و هر وقت که خواسته باشند از کار اخراج میکنند. دولت تدبیر و توسعه امنیت شغلی را جدی می گیرد.

**۸: جنبه خدماتی بودن دولت:** خواسته مردم این است که دولت آینده باید چهره خدماتی داشته باشد و بیشتر در پی این باشد تا رفاه و آسایش را برای مردم به ارمغان بیاورد. این دقیقاً همان حکمروایی مورد نظر تیم تدبیر و توسعه است. **دولت خادم و مردم مخدوم.**

**۹: مبارزه با شکاف های اجتماعی:** مردم از ما خواستند که دولت آینده باید کوشش کند تا جلو بزرگ شدن شکاف های اجتماعی را بگیرد. جامعه افغانستان در حال غرق شدن در یک بیگانگی اجتماعی است. مکاتب خصوصی و دولتی دو نسل فقیر و غنی را در خود جای داده اند. این دو نسل در آینده هیچ شناخت و درکی از یکدیگر نخواهند داشت. شکاف میان شهر و روستا نیز باید جدی گرفته شود.

**۱۰: به حاشیه راندن تاثیر قومیت از نظام بوروکراتیک افغانستان:** استخدام باید بر اساس مهارت باشد نه قومیت. مردم از ما خواستند که رییس جمهور آینده باید کوشش کند تا بوروکراسی افغانستان را از انحصار سیاست و قومیت نجات دهد و مهارت را معیار گزینش قرار دهد.

**۱۱: برق:** انرژی برق باید به همه مناطق کشور توزیع شود. در حال حاضر بسیاری از ولایت ها و ولسوالی ها از نعمت برق محروم هستند.

**۱۲: سرک:** مردم افغانستان از تیم ما خواستند که ساختن سرک را باید در اولویت کاری خود قرار دهیم. ساختن سرک هم می تواند به رشد اقتصادی کشور کمک کند وهم تعامل میان شهر و روستا و همه شهروندان را تسهیل کند.

**۱۳: بلند بردن کیفیت سکتور صحت در کشور:** مردم از ما خواستند تا تلاش کنیم کیفیت خدمات صحتی افزایش داده شود تا مردم مجبور نباشند به خاطر درمان دردهای عادی هم به سایر کشورها سفر کنند.

**۱۴: افزایش معاش کارمندان و معلمان:** مردم از ما خواستند که باید معاش معلمان و کارمندان دولتی را افزایش دهیم تا آنها بتوانند با انگیزه بیشتری کار کنند.

**۱۵: نظارت بیشتر بر سکتور خصوصی:** خواسته مردم از تیم تدبیر و توسعه این بود که دولت آینده باید جلو سرقت و تکرور سکتور خصوصی را بگیرد.

**۱۶: ممانعت از وارد شدن کالاهای مشابه که در افغانستان تولید میشوند:** دولت برای تقویت تولیدات داخلی نباید اجازه دهد کالاهای مشابه آنچه در داخل کشور تولید می شود، وارد افغانستان شود یا با مالیه اندک وارد کشور شود. باید محصول هنگفتی بر این کالاهای خارجی وضع شود تا توان رقابت تولیدات داخلی بالا برود.

**۱۷: حمایت از دهقانان و تاسیس سردخانه برای جلوگیری از ضایع شدن محصولات زراعتی.**



- ۱۸: قطع مداخله همسایه گان در امور داخلی.
- ۱۹: توجه به ساختار های فرهنگی و تقویه سینما برای تنویر افکار عمومی.
- ۲۰: توجه به آبدۀ ها و ساحات تاریخی.
- ۲۱: توریزم یک صنعت است و باید به آن توجه شود.
- ۲۲: حمایت از ورزشکاران- ورزش یک واحد اجتماعی است و باید به آن توجه شود. ورزش ضامن همبستگی ملی مردم افغانستان است.
- ۲۳: توجه به شهرک های صنعتی برای خودکفایی اقتصادی کشور.
- ۲۴: توجه به وضعیت متقاعدین و سالمندان
- ۲۵: رسیدگی به مشکلات معلولان
- ۲۶: مبارزه با حاشیه نشینی: هر قدر که فقر اقتصادی افزایش یابد مردم مجبور میشوند تا به حاشیه شهرها برای زندگی سکنا گزینند. از دید جامعه شناسی، حاشیه شهرها مکان فقر، جرایم و اعتیاد است.
- ۲۷: توجه به تفریح و سرگرمی: جامعه شناسان سرگرمی و تفریح را به عنوان یک نهاد اجتماعی با اهمیت تلقی میکنند. باید زمینه های تفریح مساعد ساخته شود.
- ۲۸: مبارزه با اعتیاد: مردم از ما خواستند که دولت تدبیر و توسعه باید استراتژی منطقی برای مبارزه با اعتیاد روی دست گیرد.
- ۲۹: پیگرد قانونی هر فرد و جریانی که در پی آسیب رساندن به وحدت ملی کشور باشد.
- ۳۰: نظارت از کیفیت پوهنتون های خصوصی.
- ۳۱: توجه به استخراج معادن.
- ۳۲: برخورد جدی و قانونی با غاصبین زمین.
- ۳۳: تاسیس مدارس دینی تحت نظر دولت برای جلوگیری از رفتن جوانان به مدارس پاکستان